

اصطلاحات انگلیسی روزمره

به همراه معنی



آموزشگاه زبان ملل

اصطلاحات انگلیسی روزمره

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی
Are you happy or married?	ازدواج کردی یا هنوز مجردی؟ (طنزآمیز)
Home boy / Home girl	بچه محل، دوست قدیمی
I must take so my self	باید خودم رو جمع و جور کنم
I was not yesterday	تازه کار نیستم / بی تجربه نیستم
How much bread have you got?	چقدر پول داری؟
Error is human	انسان جایز الخطاست
No offence	قصد بی احترامی ندارم
What a stupid thing I did	چه کار احمقانه ای کردم
He is beside	گیج شده / حالش خوب نیست
It is beyond his mind	از درکش خارجه
I am as I am	من همینی هستم که هستم
He has a big mouth	دهن لقه
Poor fellow	بیچاره / طفلک
Fall apart	از هم پاشیدن (احساسی یا فیزیکی)
Get ahead	پیشرفت کردن

اصطلاحات پرکاربرد انگلیسی

اصطلاح انگلیسی	معنی یا معادل فارسی
How are things?	اوضاع چطوره؟
What is new?	چه خبر؟
What have you been up to?	این مدت چه کار می کردی؟
Break bread	با کسی هم سفره شدن، نان و نمک خوردن
Break a leg	موفق باشی / بترکونی! (برای آرزوی موفقیت)
From A to Z	از صفر تا صد
No pain, no gain	نابرده رنج گنج میسر نمی شود
Time flies	زمان زود می گذرد (معادل "وقت طلاست")
Where there's will there's a way	خواستن، توانستن است
Take it easy	سخت نگیر

Take your time	عجله نکن
In no time	بلافاصله، در یک چشم به هم زدن
Get over it	فراموشش کن
I'm beat	خسته‌ام، کوفته‌ام
I'm starving	از گرسنگی می‌میرم
That is a good one	این را خوب اومدی!
I appreciate that	ممنونم / قدرش رو می‌دونم
Bummer / Bummed	حیف شد / ناامید شدم
I can tell	معلومه / می‌فهمم
To buy something	باور کردن حرف کسی
For sure	قطعاً
Oh my God	خدای من!
Cannot complain	شکایتی ندارم / بد نیست
Hit the books	درس خواندن جدی (خرخونی کردن!)
On cloud nine	خیلی خوشحال بودن
Piece of cake	کاری آسان
Out of the blue	ناگهانی / غیرمنتظره
Pull yourself together	خودت رو جمع‌وجور کن
Keep in touch	در تماس باش

اصطلاح انگلیسی	معنی یا معادل فارسی
When pigs fly	محال است / هرگز
To butter someone up	چاپلوسی کردن
Don't cry over spilled milk	غصه گذشته رو نخور
Hit the hay	رفتن به رختخواب
Let the cat out of the bag	لو دادن راز
Cost an arm and a leg	خیلی گران بودن
Cat got your tongue?	زبونت رو گربه خورده؟ (چرا ساکتی؟)
Take a chill pill	آروم باش
Couch potato	آدم تنبل و بی‌تحرك
When life gives you lemons	از سختی‌ها فرصت بساز
Don't be a party pooper	حال‌گیر نباش (ضد حال نباش)
I'm feeling under the weather	حالم خوب نیست

It's not rocket science	چیز پیچیده‌ای نیست (معادل "آپولو که هوا نمیکنی")
In a nutshell	خلاصه‌اش اینه
That's a piece of junk	آشغال به درد نخور
I'm all ears	سراپا گوشم
You're pulling my leg	داری سر به سر من می‌گذاری، سر کارم می‌گذاری
Go with the flow	با جریان پیش برو
Hit the road	راه افتادن، به دل جاده زدن
Spill the tea	غیبت کردن
Chill out	ریلکس کن
Beat around the bush	طفره رفتن از اصل موضوع
Jump the gun	عجله کردن زودتر از موعد کاری انجام دادن
Keep your chin up	ناامید نشو (سرتو بالا بگیر)

اصطلاحات رایج انگلیسی بین جوانان

این اصطلاحات بیشتر در میان جوانان و در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شوند. از آن جایی که خیلی اوقات از مخفف آن‌ها استفاده می‌شود، ممکن است ندانستن‌شان گمراه کننده باشد.

اصطلاح انگلیسی	معنی یا معادل فارسی
Hang out	گشت‌وگذار کردن
Chill	ریلکس کردن
Cool	باحال / جذاب
Dude	رفیق / داداش
BFF (Best Friends Forever)	بهترین دوست برای همیشه
LOL (Laugh Out Loud)	با صدای بلند خندیدن
OMG (Oh My God)	وای خدای من!
BRB (Be Right Back)	زود برمی‌گردم
FYI (For Your Information)	برای اطلاع شما
IDK (I Don't Know)	نمی‌دونم
FOMO (Fear Of Missing Out)	ترس از عقب‌افتادن از جمع
Hangry	گرسنه و عصبی بودن
Guilty pleasure	لذت گناه‌آلود (لذت بخش همراه با خجالت)
Ghosting	ناپدید شدن در رابطه
Squad	گروه، دوستان (گروه دوستان)

Stan	طرفدار دوآتشه
Throw shade	طعنه زدن
YOLO (You Only Live Once)	فقط یه بار زندگی می‌کنی
Ship	حمایت از رابطه دو نفر
Salty	دلخور بودن
Low-key	یواشکی / خیلی علنی نه
High-key	خیلی واضح و آشکار
Flex	به رخ کشیدن
Slay	عالی انجام دادن کاری
Vibe	حال و فضا / احساس کلی

معنی فارسی	اصطلاح انگلیسی
سرکه‌ی نقد به از حلوای نسیه است	A bird in the hand is worth two in the bush
عمل مهم‌تر از حرف است	Actions speak louder than words
چیزی خوش است که پایانش خوش باشد	All's well that ends well
غصه گذشته رو نخور	Don't cry over spilled milk
حتی در شرایط سخت هم امید وجود دارد	Every cloud has a silver lining
کار نیکو کردن از پیر کردن است	Practice makes perfect
کارهای بزرگ به زمان نیاز دارند	Rome wasn't built in a day
با آداب هر جا رفتار کن (همرنگ جماعت شو)	When in Rome, do as the Romans do
خواستن توانستن است	Where there's a will, there's a way
در چه فکری هستی؟	A penny for your thoughts
اشتباه گرفتن موضوع، دنبال کردن یک مسیر اشتباه	Barking up the wrong tree
روی چیزی که هنوز اتفاق نیفتاده حساب نکن	Don't count your chickens before they hatch
هر کسی روزی موفق می‌شود	Every dog has its day
عجله کردن باعث خراب شدن کار می‌شود	Haste makes waste
باران خیلی شدید می‌بارد	It's raining cats and dogs
با یک تیر دو نشان زدن	Kill two birds with one stone
به چیزی که می‌گویی عمل کن	Practice what you preach
سحرخیز باش تا کامروا شوی	The early bird catches the worm

Easy come, easy go	راحت به دست بیاد، راحت از دست میره
Better late than never	دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است
Don't judge a book by its cover	از روی ظاهر قضاوت نکن
Two heads are better than one	دو فکر بهتر از یکی است
Honesty is the best policy	صداقت بهترین سیاست است